

جایگاه داستان‌های ایرانی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان ایران

محسن حسن پور*

(تاریخ دریافت: ۹۱/۰۲/۰۹؛ تاریخ تأیید: ۹۲/۰۶/۲۷)

چکیده

در این تحقیق سعی شده است تا تعاریف شعر، انواع آن، نثرروایی و انواع آن و نثر غیرروایی مورد بررسی قرار گیرد. از میان انواع نثرها، نثرروایی (داستان) برای حفظ فرهنگ ملی و زبان رسمی آموزشی (فارسی دری) نقشی ویژه و مهم به عهده دارد. مسأله اصلی تحقیق پیش روی، آن است که آیا افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی توانسته‌اند در شکل‌گیری هویت ملی و فرهنگی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند؟ در این راستا با بررسی و مطالعه‌ی کتاب‌های فارسی چاپ شده از سال ۱۳۸۵ تاکنون سعی شده تا پاسخی مناسب برای آن ارائه گردد.

داستان‌ها به انواع قصه، داستان کوتاه، رمان و غیره دسته‌بندی می‌شوند. در این مقاله سعی شده تا با روش توصیفی - تحلیلی و از طریق جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش اسنادی به معرفی انواع نثر روایی و جایگاه آن در کتاب‌های فارسی پایه‌های ابتدایی پرداخته شود. جامعه‌ی آماری این بررسی کلیه آثار چاپ شده از سال ۱۳۸۵ تاکنون هستند. در این مقاله فرض بر این است که کتاب‌های درسی یکی از گونه‌های ادبیات کودکان و نوجوانان به شمار می‌آیند؛ لذا مبحث ادبیات کودکان و نوجوانان به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته است. نثر روایی (داستان) در کتاب‌های فارسی به شکلی قوی حضور دارند. نتایج این بررسی معلوم ساخت افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی علاوه بر آموزش زبان رسمی، موارد اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، سخنان بزرگان علم و ادب و غیره در شکل‌گیری هویت ایرانی - اسلامی تأثیرگذار هستند.

واژه‌های کلیدی: شعر، داستان، افسانه، کتاب‌های درسی، کتاب فارسی، هویت

مقدمه

ادبیات هر جامعه برگرفته از فرهنگ کلامی و نوشتاری آن جامعه یا قوم است. در این میان شعر به عنوان اولین نوع هنر کلامی نزد تمدن‌هایی نظیر یونان، اعراب، هند و ایرانیان اهمیت ویژه‌ای داشته است. اما سخن و کلام روزمره مردم عادی بیشتر به صورت نثر است تا نظم. از این رو، نثر روایی (داستان) و غیرروایی اهمیت ویژه‌ای نزد خواص و مردم عادی داشته و دارد. در قالب نثر می‌توان انواع تجارب و دانش بشری را به زبانی ساده و قابل فهم و درک برای همگان بیان کرد. از این رو جا دارد به اهمیت و نقش زبان فارسی، آموزش و انتقال آن از طریق افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در شکل‌گیری هویت ملی دانش‌آموزان پرداخته شود. در این بین نثر روایی (داستان) از زمان‌های کهن و بین اقوام مختلف رایج بوده است. در گذر زمان انسان‌ها توانسته‌اند بسیاری از موارد آموزشی، دینی، اخلاقی و تجارب خود را به صورت غیرمستقیم و در قالب داستان و افسانه بیان کنند. علاوه بر کاربرد آموزشی، حکایات و داستان‌ها در حفظ فرهنگ ملی نیز نقشی مهم به عهده دارند، به گونه‌ای که در کتاب‌های فارسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران حضوری مستمر و گاه پررنگ داشته‌اند.

*. استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران Hasanpourgd@yahoo.com / Hasanpour@srttu.edu

اهمیت زبان فارسی

زبان از جمله ابزارهای اولیه و مهم ارتباطی بشر از ابتدا تاکنون به شمار می‌آید. از آواها برای نشانه‌های زبانی استفاده شده است و واژه‌ها از ترکیب آواها که دلالت بر همان موضوع یا شیء دارند، به دست می‌آید. کسانی می‌توانند این آواها و معنای آنها را درک کنند که مدلول آن نشانه‌ها را بدانند.

زبان فارسی دری از گذشته پیونددهنده نسل‌های کهن تا به امروز بوده و به واسطه آن حوادث، رخدادها، تاریخ و ادبیات ایران ثبت شده است. تنها تفاوت آن با زبان فارسی امروز در پیدایش و کاربرد واژه‌های جدید است. زبان‌های زنده دنیا همیشه در حال تغییر و تحول هستند و نسبت به گذشته خود دگرگون می‌شوند و این امر موجب زنده و پویا بودن آنها می‌شود که به طور مستقیم به تغییرات اجتماع وابسته است، زیرا زبان هر جامعه آینه‌نمای فرهنگ آن جامعه است. آنچه زبان ملی ما را قابل ستایش می‌سازد آن است که به واسطه زبان فارسی می‌توانیم با گذشته خویش ارتباط برقرار کنیم و از تجارب و اندیشه‌های نسل گذشته خود بهره ببریم. همان‌گونه که مولوی فرموده است، جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که با دور شدن از اصل خویش به سرانجام رسیده باشد.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

با توجه به اهمیت ادبیات و زبان باید دید که ادبیات و آثار ادبی چیست؟

ادبیات عبارت است از مجموعه آثار مکتوبی که بلندترین و بهترین افکار و خیال‌ها را در عالی‌ترین و بهترین صورت‌ها تعبیر کرده باشد. البته به اقتضای احوال و طبایع اقوام و افراد و به سبب مقتضیات و مناسبات سیاسی و اجتماعی، فنون و انواع مختلفی از این گونه آثار به وجود آمده است و به اقتضای همین احوال و ظروف، گاه بعضی از این فنون و انواع بر سایر انواع و فنون تفوق و تقدم یافته است (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۶).

در تمدن‌های کهن، طبقه روحانی جزو نخستین افرادی بودند که به جمع‌آوری و ایجاد آثار ادبی در خصوص ادیان، خدایان، دعاها، سرودهای مذهبی و اسطوره‌ها پرداخته‌اند. در میان آثار ادبی، شعر قدمت و پیشینه بیشتری نسبت به سایر گونه‌های ادبی داشته است. در تمدن یونان و عرب شعر بیشتر به عنوان «ادب» و «آثار ادبی» شناخته می‌شد. در قرن‌های متأخرتر بر اهمیت آثار نثر افزوده شد. طی زمان، آثار مختلف شعر و نثر توسط شاعران و نویسندگان پدید آمد و گاه یکی بر دیگری تفوق یافت. لذا در تعریفی نسبتاً جامع از ادبیات می‌توان گفت: «ادبیات عبارت است از تمام ذخائر و موارث ذوقی و فکری اقوام و امم عالم که مردم در ضبط و نقل و نثر آنها اهتمام کرده‌اند و آن آثار را در واقع لایق و در خور این مایه سعی و اهتمام خویش شناخته‌اند و البته این میراث ذوقی و فکری که از رفتگان باز مانده است، آیندگان همواره بر آن چیزی خواهند افزود (همان: ۸).

ادبیات به دو نوع نظم و نثر تقسیم می‌شود و در قالب‌های کلی به دو دسته «روایی» و «غیرروایی» که هر کدام از آنها نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند قابل تفکیک است.

نثر روایی (داستانی): نظیر: افسانه، حکایت، قصه، داستان، رمان، نمایشنامه و ...

نثر غیرروایی (غیرداستانی): نظیر: نامه، خاطره، سفرنامه، زندگینامه، شرح حال، تاریخ، مقاله، گزارش و ...

نظم روایی (داستانی): نظیر: افسانه، حکایت، قصه، داستان و ...

نظم غیرروایی (غیرداستانی): نظیر: مثنوی، قصیده، قطعه، غزل، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند، رباعی، دوبیتی و ...

هریک از این قالب‌ها بر اساس مضمون و محتوا به موضوعات مختلف شامل حماسی، تعلیمی، عرفانی و ... دسته‌بندی می‌شود

(نعمت‌اللهی، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۱).

حال برای شناخت بیشتر به اختصار به تفاوت نظم (شعر) و نثر می‌پردازیم تا با این گونه‌های ادبی و تمایز آنها بیشتر آشنا شویم.

شعر^۱، پدیده‌ای انسانی است و شاعری^۲ هنری است کلامی که انسان از طریق پردازش کلمات در مقام بیان اندیشه، عاطفه، خیال و احساس خود به آفرینش سخنی زیبا و آهنگین دست می‌یابد. شعر در برابر نثر، یکی از اقسام دوگانه کلام است (امین، ۱۳۸۷: ۲۳).

در کتاب *المنجد*، چاپ سی و پنجم درباره شعر چنین بیان شده است: واژه شعر، برگرفته از «شیر» - به تخفیف حرف یاء - است. «شیر» در زبان عبری یا آرامی - هم‌چنانکه «شور» در موسیقی ایرانی - به معنای سرود و آواز است. از این رهگذر، شعر (= سرود و آواز) برآیند اصل کنشی عاطفی و واکنشی وجدانی، یعنی نتیجه قبض و بسط روحی و روانی در قالب کلامی آهنگین و موسیقایی است. البته واژه شعر در زبان عربی - با تاکید بر حرف ع - از ریشه شعور به معنای علم و درک است (همان، ۳۳).

شعر یکی از اقسام دوگانه کلام است، در مقابل نثر که در ساده‌ترین تعریف، آن را کلامی اندیشیده همراه با وزن و گاه قافیه دانسته‌اند. بعضی شرط خیال‌انگیز بودن را نیز بر این دو عامل افزوده‌اند و کلامی را که از عنصر تخیل بهره ندارد و تنها در آن وزن و قافیه به کار رفته باشد، نظم خوانده‌اند (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۱۴۴). در دایره‌المعارف بین‌المللی وبستر، شعر چنین تعریف شده است: «پردازش اندیشیده واژه‌ها در گفتاری خیال‌انگیز یا احساس‌برانگیز، با یک نظم آهنگین قوی (به نقل از امین، ۱۳۸۷: ۳۹). ارسطو عنصر معنوی شعر را خیال‌انگیزی و عنصر صوری آن را موزون بودن دانسته و کلامی را که فقط موزون باشد و خیال‌انگیز نباشد، از مقوله شعر بیرون دانسته است (همان، ۴۰). ابونصر فارابی نیز در رساله «جوامع‌الشعر» همان تعبیر ارسطو در رساله بوطیقا را دارد. ابن‌سینا نیز به پیروی از فارابی، اما شفاف‌تر از او، تعریفی منطقی از شعر در کتاب شفا دارد که عبارت است از: «شعر کلامی است خیال‌انگیز، ساخته شده از اقوالی موزون، موافق، مساوی و مکرر که با آهنگ‌های شبیه به هم تمام می‌شود» (۵۲).

از این رو می‌توان دریافت که شعر از لحاظ عنصر تخیل و موزون بودن بر نثر برتری دارد و ایجاز و اختصارگویی از ویژگی‌های بارز آن است.

شعر همچون نثر گونه‌های متفاوتی دارد که عبارتند از:

- ۱- حماسی (نمونه: آرش کمان‌گیر اثر سیاوش کسرای)
 - ۲- غنایی (نمونه: اشعار رودکی و فرخی سیستانی)
 - ۳- تعلیمی (نمونه: گلشن راز اثر شیخ محمود شبستری)
 - ۴- داستانی (نمونه: ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی)
 - ۵- حدیث نفس و حسب حال (نمونه: اشعار خود روانکاو یا خودجویی)
 - ۶- طنز و فکاهی (نمونه: مرد و مرکب اثر مهدی اخوان ثالث و شاعرانی چون عبید زاکانی، ایرج میرزا و نسیم شمال)
 - ۷- سیاسی (نمونه: اشعار مهرداد اوستا، علی معلم، سلمان هراتی و...)
 - ۸- اخوانیه / دوستانه (نمونه: شعر ابوالقاسم حبیب‌اللهی برای محمود فرخ خراسانی) (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۳۸۸-۳۵۳)
- داستان‌ها هم به دو نوع عمده دسته‌بندی می‌شوند:
- ۱- ادبیات داستانی تفریحی^۳

1. Poem
2. Poetry

در این تحقیق با توجه به موضوع اصلی آن، یعنی داستان، که گونه‌ای از نثر روایی است، ابتدا به تعریف افسانه و داستان و پس از آن به معرفی انواع دیگر آن می‌پردازیم.

افسانه

افسانه یا نثر روایی به معنای روایت پیشینیان، سخن نادرست و گاه گزافه، روایتی بی‌اصل و منشاء و گاه نادرست است که برای بیان موضوعی اخلاقی و یا سرگرم کردن ساخته شده باشد و در اصطلاح، روایتی از ماجراهای غیرواقعی و تخیلی است که به واسطه حضور انسان‌ها، جانوران و سایر پدیده‌ها یا موجودات تخیلی توسط راویان و نویسندگان آفریده می‌شود. افسانه‌ها برخی اوقات بیان‌کننده آمل و آرزوهای بشری است و گاه در پی یافتن پاسخی برای حس کنجکاوی انسان‌ها به شمار می‌آیند.

افسانه، قصه‌ای است خیال‌انگیز درباره موجودات خیالی که درگیر ماجراهای غیرواقعی می‌شوند. افسانه‌ها از اندیشه‌ها و اعتقادات، آرزوها، رنج‌ها و شادی‌ها، ترس‌ها و امیدها و ناشناخته‌های زندگی انسان‌ها مایه می‌گیرند و معمولاً نکته‌های حکمت‌آمیز و پندآموزی دربر دارند (حداد عادل، ۱۳۹۰: ۹۷). افسانه‌ها اغلب به واسطه وقایع متعدد و ناگهانی و غیرمنتظره شکل می‌گیرند و امکان شکل‌گیری آنها در دنیای واقعی غیرممکن است. این، درست نقطه مقابل داستان‌های واقعی است و امکان دوباره رخ دادن آن در زندگی حقیقی وجود دارد و گاه رویدادی موجب وقوع حادثه و امری دیگر می‌شود (همان: ۹۷).

از دیدگاهی دیگر، افسانه‌ها را می‌توان بازتابی از آرزوها و آرمان‌های بشر برای دستیابی به زندگی همراه با خوشبختی و به دور از پلیدی‌ها و بی‌عدالتی‌ها دانست. چه بسیار ناکامی‌ها که در افسانه‌ها به کامروایی مبدل می‌شوند و به پدیدآورندگان و شنوندگان خود نیرو می‌دهند تا در برابر سختی‌ها مقاومت کنند و امید خود را به آینده از دست ندهند. از دیدی دیگر افسانه‌ها وسیله انتقال تاریخ، دانش، فرهنگ و نیز آموزش فلسفه زندگی و تربیت نسل‌های دیگر هستند. پیشینه کهن افسانه‌ها نشانگر نیاز تاریخی انسان به این افسانه‌پردازی‌هاست. بر همین اساس است که افسانه‌ها را می‌توان به افسانه‌های کهن و افسانه‌های نو تقسیم‌بندی کرد (همان: ۹۹).

افسانه‌ها از آغاز زندگی انسان‌ها با وی همراه بوده‌اند و توانسته‌اند برای اوقات فراغت، سرگرمی و هنگام خواب به آدمیان برای شناخت بهتر فرهنگ، باورهای عامیانه، روایات شاهان، جنگاوران، پهلوانان و ... یاری رسانند. این نوع نثر روایی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری همراه با اندیشه‌های مذهبی، اسطوره‌ای و سایر موضوعات پدید آمده است. در این میان کودکان و نوجوانان یکی از پرطرفدارترین مخاطبان آن بوده‌اند. با گذشت زمان این ادبیات شفاهی توسط نویسندگان مختلفی در جهان به صورت نوشتار درآمدند و تا عصر حاضر بخشی جدانشدنی از زندگی و فرهنگ ما انسان‌ها را تشکیل داده‌اند. افرادی چون: «ازوپ» در یونان، «لافتن» در فرانسه، «برادران گریم» در آلمان و «صبحی مهدی» در ایران گام‌های مفید و مؤثری برای ثبت فرهنگ عامه و این گنجینه گهربار تمدن بشری برداشته‌اند.

داستان

³. Escape Fiction

⁴. Imaginative Fiction

داستان، یکی از انواع ادبی به نثر است که در صد سال اخیر به پیروی از داستان‌های غربی در کشورهای مسلمان پدید آمده و به دو دسته داستان بلند^۵ و داستان کوتاه^۶ تقسیم می‌شود (حداد عادل، ۱۳۹۰: ۸۰۲).

در فرهنگ کتاب در تعریف داستان آورده شده است: «ادبیات داستانی (آثار تخیلی، داستان، روایت) آن دسته از آثار روایتی غیرشعری (منثور) هستند که جنبه تخیلی آنها بر واقعیت غلبه دارد؛ شامل: قصه، داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و رمان کوتاه. موضوعات مورد توجه ادبیات داستانی معمولاً تخیلی و ساخته و پرداخته ذهن‌های خلاق است و به بیان امور حقیقی یا حقایق تاریخی نمی‌پردازد. اما چنانچه درون‌مایه قالب ادبی از حقایق تاریخی یا واقعیت‌های دیگر باشد، معمولاً «داستان تاریخی» یا «زندگینامه داستانی» و مانند آنها نامیده می‌شود (پورممتاز، ۱۳۷۷: ۳۴).

داستان‌ها از سه جزء اصلی مقدمه، تنه داستان که منجر به رسیدن اوج داستان می‌شود و پایان داستان تشکیل شده‌اند. داستان قالب‌های مختلفی دارد که به واسطه آنها به شرح و بیان مضامین اخلاقی - اجتماعی و آموزنده می‌پردازد. در زیر به اختصار به معرفی این قالب‌ها می‌پردازیم:

۱- **اسطوره**^۷: اسطوره به معنای سخن پریشان، بیهوده و باطل است. این دیدگاه از زمان صدر اسلام و در برابر سخنان و کلام قرآن به آن اطلاق شد. ولی در اصل روایت‌گر و پاسخ انسان باستان به چگونگی آفرینش جهان و پدیده‌های طبیعی و فوق‌طبیعی و جهان خدایان و الهه‌هاست. اسطوره در روزگاران کهن، باور و اعتقاد مردم به شمار می‌آمده و بسیاری آن را به عنوان بخشی از تاریخ کهن خود می‌دانند. اسطوره به عبارتی باور مردمان و آرمان‌های آنهاست و گاه بخشی از تاریخی که می‌بایست روی می‌داد ولی هیچ‌گاه روی نداده است؛ همانند اسطوره گیلگمش مربوط به تمدن بین‌النهرین.

۲- **افسانه اخلاقی**^۸: این گونه از افسانه‌ها به شرح وقایع و سرگذشت پیشینیان، سخن و روایت‌های آموزشی و اخلاقی عنوان می‌شود. افسانه‌ها در قالب آدمیان، جانوران و سایر پدیده‌های جهان هستی بیان می‌شوند و بیشتر در جهت پند و آموزه‌های اخلاقی یا پاسخ مناسب هستند؛ این مورد اخیر بیشتر به صورت مستقیم و آشکار است. در این میان می‌توان به حکایت‌های «گلستان» سعدی، قصه‌های «مرزبان نامه» و حکایت‌های «قابوس‌نامه» اشاره کرد.

۳- **افسانه پریان**^۹: این نوع از قصه‌ها بیشتر به موجودات افسانه‌ای نظیر پری‌ها، اژدها، دیوها، جانوران افسانه‌ای، جادوگران و موضوعات شگفت‌انگیز که در زندگی انسان‌ها اغلب نقش‌های مثبت و یا منفی به عهده دارند، می‌پردازد و بیشتر از سنت قصه‌گویی شفاهی بهره می‌گیرد و در بسیاری از موارد پایان و سرانجامی خوش دارد.

۴- **افسانه تمثیلی**^{۱۰}: این نوع از قصه بیشتر در قالب داستان‌هایی با شخصیت‌های حیوانی است که به صورت کوتاه است و گاه به آن «افسانه حیوانات»^{۱۱} نیز می‌گویند. در این نوع افسانه گاه اشیاء و انسان نیز نقش دارند و از آن جهت تمثیلی است که حیوانات، شخصیت‌های انسانی و آداب و رفتارهای انسان‌ها را به خود می‌گیرند و صفات انسانی به آنها داده می‌شود. از قدیمی‌ترین و بهترین این نمونه‌ها می‌توان به کتاب «کلیله و دمنه» اشاره کرد.

5. Novel

6. Short Story

7. Myth

8. Parable

9. Fairy Tale

10. Fable

11. Beast Fable

۵- **افسانه‌های پهلوانان**^{۱۲}: این نوع از افسانه‌ها به شرح حال زندگی پهلوانان و قهرمانان واقعی، تاریخی، ملی و گاه افسانه‌ای، نبردها و دلاوری‌های آنها با سپاه خصم و نیروهای شرور می‌پردازد و معمولاً در جهان واقعیت، خیال، اسطوره و وهم سیر می‌کند. در برخی مواقع، هرچند قهرمان داستان واقعی است، اعمال او رنگ و بویی اسطوره‌ای دارند و رنگ‌مایه‌ی واقعیت در آن مشاهده نمی‌شود. شاهنامه فردوسی به سه دوره پهلوانان اسطوره‌ای (کیومرث)، پهلوانان افسانه‌ای (رستم) و پهلوانان تاریخی (بهرام گور) تقسیم شده است (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۳).

عناصر تشکیل‌دهنده داستان

هر داستان برای ساخت نیاز به عناصری دارد. این عناصر عبارتند از:

۱- طرح یا پی‌رنگ^{۱۳}

۲- شخصیت‌پردازی

۳- پیام داستان

۱- **طرح یا پی‌رنگ**: تشکیل شده از یک سری حوادث و رخداد‌های علت و معلولی است و رابطه آن با داستان مانند رابطه نقشه با مسافرت است و می‌تواند مسیر داستان را با جزئیات و گاه درشت‌نمایی پیش‌روی مخاطب قرار دهد. همچنین طرح شامل تفکر شخصیت، لحن و رفتار وی است. در طرح داستان به طور طبیعی بهتر است حوادثی آورده شوند که با هم رابطه دارند و این حوادث موجب درگیری در داستان می‌شوند که عاملی مهم برای جلب خواننده مبتدی و باتجربه خواهد بود (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۱).

۲- **شخصیت‌پردازی**: ادبیات هرچه تحلیلی‌تر شود، شخصیت‌های آن و شناخت آنها دشوارتر خواهد شد. خوانندگان بیشتر سعی دارند اعمال و رفتارهایی را که شخصیت داستان انجام می‌دهد، مطالعه کنند، زیرا هر فردی براحتی می‌تواند بگوید کدام شخصیت در داستان چه کاره است و چه کاری را انجام می‌دهد، اما شناخت و درک صحیح از تجزیه و تحلیل شخصیت‌ها کار هر خواننده‌ای نیست. به همین جهت نویسندگان در داستان‌های تفریحی به طرح داستان بیش از شخصیت‌پردازی توجه می‌کنند. همواره باید به یاد داشت که شخصیت‌ها، چون شخصیت‌های ادبیات کهن، همیشه مثبت و منفی و یا سپاه و سفید نیستند، بلکه شخصیت‌هایی وجود دارند که ممکن است هیچ‌کدام از آنها کلیشه‌ای نباشند. زیرا داستان‌ها دیگر به جایی رسیده‌اند که به ما فرصت و مجالی برای درک و نفوذ به شخصیت‌های پیچیده انسانی می‌دهند و این امکان را فراهم می‌کنند که فراتر از زندگی عادی و واقعی مردم آنها را دقیق‌تر و کامل‌تر بشناسیم. شخصیت‌های داستان نیز از لحاظ تحول‌پذیری به دو نوع شخصیت‌های سطحی^{۱۴} و شخصیت‌های جامع^{۱۵} تقسیم می‌شوند (همان: ۵۳-۴۷).

۳- **پیام داستان**: پیام داستان همان روح حاکم بر داستان و درونمایه آن است و چیزی جز نتیجه داستان نیست. برای درک صحیح از پیام داستان ابتدا باید پرسید که منظور داستان چیست؟ و نویسنده از کدام دیدگاه، عقیده و زاویه به زندگی نگاه کرده

12. Heroes tale

13. Plot

14. Flat Characters

15. Round Characters

است؟ نباید فراموش کرد که همه داستان‌ها پیام ندارند. برخی از آنها هدفی جز سرگرمی، احساس ترس و وحشت و ایجاد هیجان‌های کاذب ندارند. در صورتی می‌توان گفت داستانی به همراه پیام است که دو اصل زیر را دارا باشد.

۱- هنگامی که نویسنده با جست‌وجو و کنکاش زیاد سعی کند اجزای زندگی را به صورتی دقیق بازگوید.

۲- وقتی نویسنده برخی از نظرات و اندیشه‌های خود را در مورد زندگی در قالب داستان به مخاطب خود عرضه کند.

در آخر می‌توان گفت همه داستان‌های تحلیلی پیام دارند، ولی فقط برخی از داستان‌هایی که فقط جنبه تفریحی دارند، دارای پیام هستند. در داستان‌های تحلیلی، هدف، همان پیام است (همان: ۶۸-۶۱).

با توجه به اینکه تحقیق پیش روی در خصوص داستان و نقش آن در کتاب‌های درسی است و مخاطبان کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی کودکان هستند، جای دارد به ادبیات کودک و نوجوان، اهداف و تا حدی پیشینه آن پرداخته شود تا بتوانیم به شناخت و نتایج بهتری دست یابیم.

ادبیات کودک و نوجوان و اهداف آن

ادبیات کودک و نوجوان مجموعه نوشته‌ها، شعرها، متل‌های کودکانه، سروده‌ها و متن‌های آموزنده است که توسط بزرگسالان برای کودکان و در خور فهم آنها با توجه به فرهنگ ملی و مذهبی هر قوم تهیه می‌شود. تفاوت بارز آن با ادبیات بزرگسالان در متفاوت بودن نیازهای عاطفی، روحی و روانی کودکان با افراد بالغ است. ادبیات کودک و نوجوان سعی دارد کودک را با بعد معنوی، تربیتی و آموزشی آشنا کند. به دلیل دشوار بودن درک مفاهیم کتاب‌های بزرگسالان، افرادی که در حیطه ادبیات کودک و نوجوان دست به آفرینش ادبی می‌زنند سعی می‌کنند با روش‌های غیرمستقیم کودکان را با ارزش‌های دینی، ادبی، علوم و داستان، شعر و سایر نمونه آثار آشنا کنند. به این ترتیب، ادبیات کودکان و نوجوانان در آموزش رسمی و غیررسمی تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای دارد. از این رو، کتاب‌های درسی نیز خود به گونه‌ای در حیطه ادبیات کودکان و نوجوانان به شمار می‌آیند. پدیدآورندگان ادبیات کودکان و نوجوانان چه از نوع آموزش رسمی (کتاب‌های درسی) و غیررسمی باید برخی از اصول مهم و اساسی را در تألیف این آثار رعایت کنند، اصولی چون:

۱- تناسب اثر با خواسته‌ها و نیازهای مخاطبان

۲- تناسب اثر با احساس و عاطفه مخاطبان

۳- تناسب اثر با توانایی‌های ذهنی مخاطبان

۴- تناسب اثر با زبان مخاطبان

۵- تناسب اثر با تجربه‌های مخاطبان

۶- تناسب اثر با شرع و عرف جامعه مخاطبان (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۲).

هویت و انواع آن

در حقیقت هویت چیزی جز «اوتیت» یا «آنیت» شخص یا شیء نیست، زیرا نه شیء و نه فرد نمی‌تواند بدون ویژگی‌هایی باشد و همیشه شیء دارای خصوصیات ویژه خویش است.

افراد با توجه به جامعه و فرهنگی که در آن رشد یافته‌اند، از ویژگی‌هایی برخوردارند که آنها را متمایز از دیگران می‌کند. هویت از جمله مسائلی است که بیش از هر چیز با فرهنگ و باورهای مردم هر قوم ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ دارد. در اغلب

منابع، ریشه این واژه را در زبان لاتین واژه Identity می‌دانند و برای آن، دو معنا قائل شده‌اند: یک معنای آن تشابهات و معنای دیگر آن تمایز و اختلاف است. به عبارتی می‌توان گفت: عناصر اصلی هویت ترکیب شده از نقاط مشترک و افتراق یا اختلاف است. واژه هویت دارای ریشه عربی دارد و معنای آن تشخیص شیء، ذات و حقیقت آن است (نوجه فلاح، ۱۳۸۶).

هویت مفهومی است که با آن، انواع، اجناس و مفردات خود را از دیگران متمایز و مشخص می‌کنند (علیخانی، ۱۳۸۶). هویت آگاهی فرد از خود است که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او واگذار نمی‌شود، بلکه باید آن را به طور مداوم و پیوسته در زندگی روزمره ایجاد کند و نیز در فعالیت‌های خویش مورد پشتیبانی قرار دهد. اریکسون هویت را در اصطلاح یک حس کلی درونی توصیف کرده است. از نظر وی هویت جریان تلفیق تغییرات فردی و نیازهای اجتماعی برای آینده است (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

هویت شامل انواع مختلفی است که عبارتند از: هویت فردی، هویت جمعی و هویت ملی.

۱. **هویت فردی:** هویت فردی یکی از مهم‌ترین بحث‌های اجتماعی و روانشناسی است و بر اساس تعلق خاطر فرد و خانواده، نقد و بررسی می‌شود و به دلیل اهمیت فرد و نقش او در جامعه گاه افراد جامعه را دچار بحران می‌کند. به این جهت معمولاً انسان‌ها در جهت پی بردن به کشف هویت فردی و شناخت بیشتر از خود گام بر می‌دارند و سعی می‌کنند به نقش خود در زمان حال بیشتر آگاه شوند و با توجه به آموزه‌هایی نظیر دین، ادبیات، فرهنگ، سیاست و ... سعی در دست یافتن به هویت خود دارند.

۲. **هویت جمعی:** هویت جمعی یا اجتماع برگرفته از موقعیت فرد در جامعه است. افراد در جامعه خود نیز جایگاه متفاوتی نظیر: هویت جنسی، قومی، مذهبی، ملی و جهانی دارند که همواره در حال تحول است. این حرکت موجب می‌شود هویت دچار رکود و بی‌تحریکی نشود، زیرا نمی‌تواند امری ثابت باشد. به همین علت فرد در جامعه خود (ایل، روستا، قوم، طایفه، خانواده و ...) که شامل افرادی با مشترکات قومی، نژادی، خونی و فرهنگی است، در کنار هم و با هم زندگی می‌کنند و با یکدیگر تعامل دارند.

۳. **هویت ملی:** هویت ملی شاید پراهمیت‌ترین نوع هویت باشد و به مراتب فراتر از خانواده، ایل، قوم و طایفه است. در این نوع هویت، فرد دیگر تعلق به کشور یا وطن خود دارد. هر چند که در جامعه هر فردی برای خود هویتی دارد، زمانی که بحث هویت ملی به میان می‌آید، در حقیقت، سطحی فراتر از سایر انواع هویت را شامل می‌شود و بر خلاف هویت اجتماعی که سطوح مختلفی از جامعه را دربر می‌گیرد، هویت ملی فقط به یک جامعه ملی تعلق دارد و نمی‌تواند به صورت چندگانه عمل کند (همان، ۳۴۴-۳۴۵).

هویت ملی که عامل شناسایی و تمایز بین ما و دیگران است، ابعاد مختلفی دارد که عبارتند از: بُعد اجتماعی، بُعد تاریخی، بُعد جغرافیایی، بُعد سیاسی، بُعد فرهنگی (میراث فرهنگی)، بُعد دینی و بُعد زبانی (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۳۱).

هویت فرهنگی

در حقیقت، هویت فرهنگی چیزی جدای از فرهنگ نیست. واژه «فرهنگ» در زبان فارسی از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده که «فر» به معنای بالا، جلو و بر و «هنگ» به معنای کشیدن و برکشیدن است. اما مفهوم فرهنگ در ادبیات فارسی طی زمان و ادوار مختلف مفاهیمی متفاوت را شامل شده است.

فرهنگ به عبارت ساده به رشته‌هایی که انسان را با محیط و دنیای خارج پیوند دهد، گویند. فرهنگ به مفهوم عام خود، روش زندگی کردن و اندیشیدن است و از مجموع دانسته‌ها، تجربه‌ها و اعتقادهای یک قوم حاصل می‌شود. در حقیقت، نتیجه‌گیری و دستاوردی است که یک قوم در ادوار تاریخی آن را تجربه کرده‌اند. از این‌رو، اغلب فرهنگ‌های کهن غنا و تکامل بیشتری دارند و کار فرهنگ و زمان، کمرنگ و یا حذف کردن پلیدی‌های یک تمدن در طول تاریخ است (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۵). فرهنگ همواره سعی در ایجاد ارتباط گذشته با حال دارد و در عصر حاضر این انتقال راهی بس دشوار است و انتقال کهنه به نو نیاز به ظرافت بیشتری دارد و گاه بسیار دشوار می‌نماید. نباید فراموش کرد که این فرهنگ نو است که بر شانه‌های تنومند و با عظمت فرهنگ و تمدن کهنه سوار است (همان: ۶۲).

هویت فرد در روابط بین افراد و جامعه شکل می‌گیرد، اما هویت اجتماعی در سطحی وسیع‌تر و در رابطه گروه‌های مختلف اجتماع حاصل می‌شود. به این جهت، فرد بر جامعه و جامعه بر فرد تأثیرگذار است. از این‌رو، جا دارد با شناخت دقیق‌تری از هویت فرهنگی سعی در تعاملی سازنده بین فرد و جامعه و نسل‌های گذشته و تأثیر دستاوردهای آنها بر نسل حاضر داشته باشیم. هویت فرهنگی مجموعه یا نظامی از باورها، ارزش‌ها، رسوم و رفتاری است که اعضای جامعه به کار می‌بندند تا خود را با جهان و با یکدیگر سازگار کنند. در این جریان، یکی از مسائلی که به هویت فرهنگی برمی‌گردد، پاسخ به این پرسش است که ما کیستیم و چگونه ما شدیم (اشرفی، ۱۳۸۰: ۸).

ویژگی‌های خاص و عواملی که فرهنگ جوامع را از یکدیگر قابل شناسایی می‌کند، شناسنامه فرهنگی جامعه به شمار می‌آیند. برخی از این عوامل عبارتند از: تاریخ، هنر، ادبیات، زبان و اقتصاد که هر یک به تنهایی می‌توانند معرف جامعه باشند و هر یک از این عوامل می‌توانند با تلفیق یکدیگر نشانه‌ای بارز از هویت یک قوم شوند. مناسب‌ترین راه برای حفظ هویت فرهنگی، حفظ فرهنگ ملی در برابر سلطه فرهنگ مهاجم است.

از این‌رو، جامعه‌ای که به فرهنگ ملی و هویت فرهنگی خود پشت پا زند و گذشته خود را نفی کند، به طور حتم در فراگیری فرهنگ بیگانه نیز پیشرفت نخواهد کرد و تنها نسخه‌برداری نازل و بی‌ارزشی از فرهنگ بیگانه را انجام خواهد داد. چنین جامعه‌ای بزودی سرخورده و ضعیف خواهد شد.

اقوامی می‌توانند از داشتن فرهنگ گذشته خود احساس غرور کنند که تلاش در جهت حفظ آن کرده باشند و علاوه بر پاسداشت فرهنگ گذشته، سعی در افزودن بر گنجینه فرهنگ گذشته خود کنند؛ یعنی بتوانند زمان و فرهنگ گذشته خویش را با زمان و فرهنگ حال خود پیوند دهند و همواره با آغوشی باز پذیرای دادوستد فرهنگ خود با سایر اقوام باشند. این امر را شاعر گرانقدر ایرانی، سعدی، بخوبی درک کرده است؛ در حالی که خود را فردی ایرانی می‌داند، خویش را جزو جامعه جهانی دانسته و می‌گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

نهضت‌های دینی و ملی‌گرایانه در قسمت‌هایی از جهان برای مقابله با فرهنگ‌های مهاجم و حفظ هویت فرهنگی راه‌کارهایی پیشنهاد داده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. بازگشت به فرهنگ گذشته خویش
۲. تلفیق فرهنگ ملی با فرهنگ غربی
۳. انتخاب و گزینش (تولید، گزینش و پذیرش)

این رویکردها طی تاریخ صدساله اخیر ایران به بوته آزمایش گذاشته شده‌اند و حتی در تألیف کتاب‌های درسی بی‌تأثیر نبوده‌اند. به گونه‌ای که کتاب‌های درسی و نیز کتاب‌های فارسی در قبل از انقلاب با رویکردی ملی‌گرا و بعد از انقلاب، تلفیقی از فرهنگ ملی - مذهبی با فرهنگ غربی تألیف شده‌اند. اما گزینه سوم می‌تواند مناسب‌تر باشد، زیرا جوامع در حال تولید محصولات فرهنگی هستند و این ملت‌ها هستند که آنها را پذیرا می‌شوند و اگر آن را گزینش کنند و بپذیرند، فرهنگ در آن جامعه می‌تواند شکل نو، پیشرفته‌تر و متعالی نسبت به زمان خود یابد (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

این امر خود از خصوصیات بارز یک فرهنگ زنده است. در فرهنگ‌های پویا و زنده، گزینش خودبده‌خود همیشه فعال است و در مسیر زمان بتدریج با ارزش‌ترین و آنچه را که مورد نیاز می‌داند، به صورت میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند و آن خرده‌های ناخالص را که مورد نیاز نمی‌دانند بتدریج به فراموشی می‌سپارند و یا حذف می‌کنند. به تعبیر آندره مالرو: «راه توسعه فرهنگ، همگانی کردن فرهنگ است». در این میان، هویت فرهنگی و هویت ملی می‌توانند نقش مهمی در آموزش هنر دانش‌آموزان ایفا کنند که با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی به آن خواهیم پرداخت.

جایگاه داستان در ادبیات کودکان و نوجوانان در قبل و پس از انقلاب اسلامی ایران

ادبیات کودکان و نوجوانان در قبل از انقلاب به همت افرادی چون «جبار باغچه‌بان» در حدود سال‌های ۱۳۰۰ ه.ش پا به عرصه وجود گذاشت. سپس «صبحی مهتدی» با قصه‌های آدینه خود از سال ۱۳۱۹ ه.ش داستان‌سرایی برای کودکان را در رادیو آغاز کرد. وی توانست در طول عمر پربار خود بسیاری از افسانه‌های ملی - مردمی ایران را جمع‌آوری کند و آنها را برای کودکان به چاپ رساند. علاوه بر این، نویسندگان دیگری چون: مهدی آذریزدی، محمود حکیمی، سیدغلامرضا سعیدی، دکتر علی شریعتی، مرتضی مطهری، مصطفی زمانی، محمود کیانوش، پرویز دولت‌آبادی، صمد بهرنگی و تنی دیگر از نویسندگان، گام‌هایی مهم و تأثیرگذار در این بخش از ادبیات ایران برداشتند و نهضتی را آغاز کردند که تا قبل از این در ایران سابقه نداشت. زیرا تا قبل از این ایام، در ادبیات نوشتاری و کلامی ایران، ادبیات کودکان و نوجوانان جایگاه خاصی نداشت و همان متن‌ها و داستان‌های بزرگسالان برای کودکان دوباره خوانی می‌شد.

قبل از انقلاب، رویکرد نویسندگان بیشتر سیاسی - اجتماعی و مسائل آموزنده بود تا بیان واقعیات و مسائل خاص کودکان و نوجوانان. اما پس از پیروزی انقلاب، با توجه به تغییر رویکردهای اجتماعی - سیاسی و مذهبی، نسل جدیدی از نویسندگان با معیارهای مذهبی و انقلابی پا به این وادی گذاشتند. نویسندگانی چون: نادر ابراهیمی، ناصر ایرانی، محمود کیانوش، هوشنگ مرادی کرمانی، محمود گلاب‌دره‌ای و تنی دیگر در قبل و بعد از انقلاب، آثاری به وجود آوردند که سرشار از مسائل انسانی، اخلاقی و آموزنده برای کودکان و نوجوانان بود. در این میان «هوشنگ مرادی کرمانی» بیش از بقیه توانست در عرصه‌های داخلی و خارجی افتخارات باارزشی برای خود و ادبیات کودکان و نوجوانان ایران به دست آورد. همچنین نویسندگانی هم‌زمان با انقلاب به نویسندگی ادبیات داستانی کودک و نوجوان روی آوردند و توانستند آثاری قابل توجه بیافرینند. تنها تفاوت آنها با نویسندگان گروه نخست در آن است که در بطن انقلاب و جنگ رشد کردند و احساس همدلی بیشتری با انقلاب داشتند. برخی از این نویسندگان عبارتند از: سید مهدی شجاعی، ابراهیم حسن بیگی، فریدون عموزاده خلیلی، حسین فتاحی، رضا رهگذر، حمید گروگان، مهدی حجوانی، محمد میرکیانی و تنی از دیگر نویسندگان. اما آنچه ادبیات پس از پیروزی انقلاب را متفاوت‌تر از قبل نشان می‌دهد، پرداختن به مفاهیم و محتوای سرشار از مضامینی چون آزادی، برابری، ترویج اخلاق شایسته، همکاری، دعوت به ایمان مذهبی، پرهیز از امور غیراخلاقی و ... است (اکبری شلدراهی، ۱۳۸۲: ۱۹۳-۱۸۵).

به تدریج این مضامین علاوه بر کتاب‌های تخیلی و غیردرسی کودکان توانست در کتاب‌های درسی و مجلات «رشد» نیز راه یابد و با مضامین پاسداشت از ارزش‌های انقلاب، دفاع مقدس، معرفی چهره‌های اسلامی - ایرانی و بزرگان دین و ... جایگزین مطالب درسی قبل از انقلاب شد. متن‌های جدید ادبی بیشتر بیانگر هویت ایرانی - اسلامی شد تا هویتی صرفاً ایرانی. این رویکرد جدید در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی ایران با حرکتی سریع و عجلانه صورت گرفت، اما در اواخر سال‌های شصت و هفتاد و هشتاد و نود و صدم و سویبی اصولی‌تر یافت و از پرداختن به ظواهر دوری گزید. این نگرش و دیدگاه نیز بتدریج در متن و محتوای کتاب‌های درسی راه یافت. شاید بیشترین تأثیر را بتوان در کتاب‌های تعلیمات دینی و فارسی مشاهده کرد؛ تأثیری که تاکنون ادامه دارد و رو به ساده‌گویی و اختصار نهاده و از آموزه‌های مستقیم و زیاده‌گویی پرهیز و دوری می‌جوید.

جایگاه داستان در کتاب‌های درسی

کتاب‌های درسی گونه‌ای از ادبیات کودکان و نوجوانان هستند. این دسته از کتاب‌ها حدود نه ماه از سال با دانش‌آموزان مقطع ابتدایی همراه هستند و آنها را در امر آموزش یاری می‌دهند.

کتاب‌های درسی که جزو کتاب‌های غیرتخیلی هستند، بیش از هر چیز سعی در آموزش دارند. به همین دلیل، عنصر خلاقیت کمتر در آنها کارایی دارد. زیرا این کتاب‌ها قرار است بیشتر علوم مختلف را به کودکان آموزش دهند و کارکردی واقع‌گرایانه در برخورد با عوامل و عناصر مختلف دارند و بیشتر مخاطب خردسال خود را به تفکر در خصوص پدیده‌های طبیعی وامی‌دارد. نشر آنها بیشتر غیرروایی است و بیشتر این داستان‌ها از ساختاری ساده برخوردارند و از زیاده‌گویی پرهیز دارند.

اما کتاب فارسی که سعی در آموزش زبان مادری ما ایرانیان، «فارسی دری»، دارد، بیش از سایر کتاب‌های درسی با نثر روایی سروکار دارد. همان‌گونه که ذکر شد، داستان‌ها علاوه بر سرگرمی، جنبه‌های آموزشی نیز دارند. اما آنچه در کتاب‌های درسی بیشتر به عنوان داستان به کار برده می‌شود، داستان‌های کوتاه و گاه نثرهای ساده در برگرفته مطالب آموزشی هستند. با این وجود، در کتاب‌های فارسی حکایت، افسانه‌ها و داستان‌های برگرفته از ادبیات کهن و معاصر ایران و موارد بسیار نادری از ادبیات اروپا تدوین و تألیف شده است. هر چند کتاب‌های سال اول و دوم بیشتر به آموزش حروف، الفبا آموز و نگارش الفبا می‌پردازند، در تألیف آنها، به صورت غیرمستقیم، سعی شده مطالبی به صورت نثر غیرروایی و نثر روایی (داستان) آورده شود و از آنها در امر آموزش استفاده مطلوب شود.

درس فارسی دبستان در گذشته بیشتر بر خواندن و نوشتن تأکید داشت و به صورت یک کتاب درسی تدوین شده بود. اما در حال حاضر این درس در قالب دو کتاب ارائه می‌شود:

۱- کتاب فارسی - بنویسیم

۲- کتاب فارسی - بخوانیم

این کتاب‌ها در تمام سال‌های ابتدایی تدریس می‌شوند. کتاب‌های «فارسی - بنویسیم»، همان‌گونه که از عنوان آنها پیداست، بیشتر به آموزش حروف و درست نوشتن می‌پردازند. در سال اول ابتدایی در این کتاب بعد از آموزش حروف به ترتیب به آموزش کلمات و جمله‌ها می‌پردازند. در سال دوم در کتاب «فارسی - بنویسیم» پس از فراگرفتن ترکیب کلمه‌ها، کامل کردن جمله‌ها و توضیح درباره تصاویر به صورت نوشتاری، دانش‌آموز فرا می‌گیرد با ترکیب کلمات و کامل کردن آنها، واژه‌ها و جمله‌های جدیدی بسازد و گاه با سئوالاتی که از وی پرسیده می‌شود و باید به صورت کلمه‌ای به آنها پاسخ بدهد، عمدتاً تلاش بر این است که مطالب فراگرفته شده توسط او با استفاده از تکرار کردن کلمات، در ذهن او تعمیق شوند. سعی عمده در آن است

تا ذهن کودک به خلاقیت در کاربرد کلمات واداشته شود تا بتواند با کلمات آموخته شده داستان‌سرایی را نیز تجربه کند. شاید این نخستین تلاش آموزش رسمی است تا کودک با داستان و داستان‌سرایی آشنا شود تا تجربه‌ای هر چند کوتاه را به انجام رساند. در این مقطع کودک می‌تواند با راهنمایی بزرگ‌ترها و معلم، ذهن خلاق خویش را در قالب واژگان فرا گرفته شده به این امر مشغول کند.

در کتاب «فارسی - بنویسیم» سوم دبستان کودک فرا می‌گیرد کلمات را مرتب کند، دنبال کلمات خواسته شده و حروف بگردد و درباره ماجراهای مربوط به تصاویر که به صورت مشاغل، حوادث، تفاوت‌ها، ورزش‌ها و ... است، مطالبی بنویسد. همچنین آشنایی با علائم راهنمایی و رانندگی، آموزش فرهنگ استفاده از تلفن، آشنایی با برخی چهره‌های علمی ایران و جهان، آشنایی با مفهوم وطن و میهن‌پرستی و ادامه جمله‌سازی آموزش داده می‌شود. به طور خلاصه، تلاش برای ارتقا و افزایش مهارت در نوشتن و جمله‌سازی از اهداف اصلی این کتاب به شمار می‌آید.

در کتاب «فارسی - بنویسیم» چهارم دبستان مسائلی چون نهادها، بهداشت، اخلاق فردی و اجتماعی، دانش و دانشمندان دینی، ملی و میهنی، طبیعت، ادب و هنر در قالب نوشتن و توضیح تصاویر همانند کتاب‌های سال دوم و سوم است. اما با این تفاوت اصلی که به تدریج بر حجم نوشته افزوده می‌شود و از حجم تصاویر کاسته می‌شود. در آخر، دانش‌آموز با ساختار انواع جمله‌های خبری و پرسشی آشنا می‌شود و در نوشتن این جمله‌ها به صورت آگاهانه و هدفمند تمرین‌های خود را ادامه می‌دهد.

کتاب «فارسی - بنویسیم» پنجم دبستان همانند کتاب‌های سال‌های اول تا چهارم به فعالیت جمله‌سازی، کلمه‌های هم‌معنا و مخالف، انشاء و معانی واژگان می‌پردازد و توضیح در خصوص تصاویر نسبت به سال‌های قبل کمتر شده است. همچنین بازگرداندن متن‌های کهن به نثر ساده تلاشی برای آشنایی دانش‌آموزان با نگارش ساده و امروزی است. این امر یعنی تلاش بیشتر در نگارش و انشاء که دانش‌آموز را با مهارت‌های نگارش بیش از گذشته و در سطحی بالاتر آشنا می‌کند، از ویژگی‌های مهم این کتاب به شمار می‌آید.

هر چند هدف اصلی در کتاب‌های «فارسی - بنویسیم»، آموزش الفبا، نگارش صحیح، آشنایی با آیین نگارش و تمرین در مهارت نوشتاری است، در آنها فعالیت‌های داستان‌سرایی و آشنایی با داستان‌های کوتاه و افسانه‌های کهن ایرانی به صورت مستتر وجود دارد. در کتاب‌های «فارسی - بخوانیم» مقطع ابتدایی بیش از هر چیز به مهارت گوش دادن، سخن گفتن و خواندن اهمیت داده شده است. کتاب «فارسی - بخوانیم» سال اول به چهار بخش دسته‌بندی شده است:

۱- نگاره‌ها

۲- آموزش نشانه‌ها (۱)

۳- آموزش نشانه‌ها (۲)

۴- روان‌خوانی

در بخش نگاره‌ها دانش‌آموز با لوح‌های تصویری که برای او خوانده و تعریف می‌شود، آشنا می‌شود و سپس با بازگویی مطالب، سخن گفتن خود را تقویت می‌کند و یا در لوحه باید دنبال کلمات و تصاویری که از او می‌خواهند، بگردد. در بخش نشانه‌ها (۱) نیز بحث اصلی، آموزش الفبا و کلماتی است که در آن حروف فراگرفته شده به کار رفته‌اند. در بخش نشانه‌ها (۲) نیز ادامه آموزش الفبا آمده است، اما بیشتر در قالب متن‌های کوتاه و شعر که همراه با تصاویر است. البته بیشتر متن‌ها به نگارش‌های ساده و نثر غیرروایی شباهت دارند.

بخش پایانی کتاب که روان‌خوانی است، نسبت به سایر فصل‌ها بسیار کوتاه و همراه با متن‌های کوتاه است و بیشتر توصیف‌گر تصاویر است و به طور عمده در افزایش مهارت خواندن دانش‌آموزان سعی شده.

کتاب «فارسی - بخوانیم» سال دوم به هشت فصل دسته‌بندی شده است:

۱- نهادها

۲- بهداشت

۳- اخلاق فردی و اجتماعی

۴- دانش و دانشمندان

۵- دین

۶- ملی و میهنی

۷- طبیعت

۸- هنر و ادب

در فصل اول کتاب، شعرها و نثرهایی در جهت روان‌خوانی تدوین شده است که نسبت به سال اول حضوری چشمگیرتر دارد. در آخر فصل نیز برای نخستین بار داستان کوتاه و مستقل «روباہ و خروس» جهت روخوانی آورده شده است. در فصل دوم متناسب با مبحث بهداشت داستان‌های کوتاه به نام «خرس کوچولو» و «مدرسه خرگوش‌ها» آورده شده است. در آخر فصل نیز داستان «چغندر پربرتکت»، بر گرفته از فرهنگ ایرانی افزوده شده است. در فصل سوم داستان «کوشا و نوشا»، «از همه زیباتر»، «مورچه اشک‌ریزان»، چرا اشک‌ریزان» و شعرهایی در جهت آموزش اخلاقی فردی و اجتماعی آورده شده است. در فصل چهارم کتاب داستان‌های «حنایی»، «لاک پشت و خرگوش»، «پرواز موج» که سعی در دانش‌افزایی و آموزش مسائل اجتماعی در قالب داستان دارند، آورده شده‌اند. در فصل پنجم نیز داستان‌های کوتاه و معاصر در مورد آموزه‌های دینی به صورت غیرمستقیم آورده شده است. در فصل ششم در خصوص سرزمین ایران متن‌های ساده و شعرهایی در وصف پیروزی انقلاب، پرچم، نوروز و داستان کهن و معروف «دوازده برادر» که بیان‌کننده دوازده ماه سال است، به مطالب کتاب افزوده شده‌اند. فصل هفتم کتاب در مورد طبیعت و وصف زیبایی آن، پروانه‌ها و داستان معروف «حسنی و نی سحرآمیز» که شباهت بسیاری با داستان «جک و ساقه لوبیا» دارد، مطالب جدیدی به دانش‌گفتاری و شنیداری دانش‌آموزان افزوده است. در فصل هشتم و پایانی کتاب مباحث هنر و ادب به همراه نثر ساده «هنرمند»، «شعر روباه و زاغ» نثر ساده‌ای درباره «فردوسی» و داستان ایرانی «یک کلاغ، چهل کلاغ» آورده شده است. همه این فصل‌ها سعی در افزایش توان روخوانی دانش‌آموزان دارند، اما نسبت به سال گذشته بر میزان و حجم داستان‌های برگرفته از فرهنگ مردمی افزوده شده است.

کتاب «فارسی - بخوانیم» سوم دبستان همانند کتاب سال دوم از هشت فصل و همانند عناوین فصل‌های سال دوم تألیف شده است.

این فصل‌بندی و محتوای آن از سال دوم به بعد تا پایان دوره ابتدایی بدون تغییر باقی مانده است.

در فصل اول نثرهایی چون: «لبخند نقاشی‌ها»، «نماینده کلاس»، «بچه‌های کانون»، «ما فقط یک کره زمین داریم»، «شهر ما، خانه ما»، «حرف‌های یک نقاشی»، «درختی که فرار کرد»، «خود را دست کم نگیریم»، «فداکاران»، «فکر روشن»، «اتوبوس»، «پرواز»، «سلام آقای بل»، «بهترین خاطره»، «امام و پروانه‌ها»، «روز زیبای زندگی»، «ای ایران، ای وطن من»، «معلم فلسطینی»، «کوه‌نوردی»، «اگر جنگل نباشد»، «مداد رنگی‌ها»، «مشق مورچه» آورده شده است. علاوه بر آن داستان‌هایی برگرفته از فرهنگ سنتی و عامه ایرانی چون: «قوی‌ترین پرنده دنیا»، «مالت را محکم نگه دار»، «طمع مورچه»، «مروارید»، «خارکن و حاتم طایی» جهت آشنایی با فرهنگ سنتی و هویت ایرانی -

اسلامی دانش‌آموزان در کتاب گنجانده شده است. آنچه در این کتاب موجب تحولی چشمگیر نسبت به سال‌های اول و دوم شده، حضور بیشتر نثرهای ادبی در قالب داستان‌های کوتاه از نوع کهن و جدید است. همچنین برخی از نثرها که به داستان‌های کوتاه شباهت دارند در اینجا بیشتر به شرح مطالب آموزشی، زندگی مشاهیر و داستان‌های اخلاقی با توجه به عناوین فصل‌ها آورده شده و برخلاف سال اول و دوم حضور شعر به صورت چشمگیری کاهش یافته است.

کتاب «فارسی - بخوانیم» سال چهارم ابتدایی نیز دربرگیرنده متن‌های داستانی کوتاهی چون: «از همه مهربان‌تر»، «دوست بزرگ بچه‌ها»، «سال‌های دور از خانه»، «کودکان حق دارند که ...»، «جهان پهلوان»، «برف خجالت»، «اگر دیگران نبودند»، «من با دیگران فرق دارم»، «شاید این قطره آب»، «ابن سینا»، «بر بال خیال»، «عیدانه خدا»، «آخرین یاور آفتاب»، «میراث فرهنگی»، «ثروت‌های ملی ایران»، «کوچ پرستوها» و «داستان‌ها» است و داستان‌های کهن و برگرفته از فرهنگ ایرانی چون: «رفیق نیمه‌راه»، «اگر فیل‌ها بال داشتند»، «کار نیکو کردن از پرکردن است»، «خرچنگ و مرغ ماهی‌خوار»، «داستان عبدالله بری و عبدالله بحری»، «آرش کمان‌گیر»، «قصه بخت»، «ناشنا و بیمار»، «مثل‌ها» و «کودک باهوش»، آورده شده است. همچنین داستان «شاهزاده خوشبخت» اثر هانس کریستین آندرسن، نویسنده نامدار کودکان و نوجوانان دانمارکی، ملاحظه می‌شود. در این کتاب حضور داستان‌ها بر مراتب نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است و این امر بر اهمیت ادبیات و نثر روایی یا داستان و نقش آن در مسائل آموزشی می‌افزاید. حضور ده داستان ایرانی و یک داستان برگرفته از ادبیات اروپا این مدعا را تأیید می‌کند. بیشتر داستان‌های ایرانی آورده شده در این قسمت و تصاویر مربوط به آنها به گونه‌ای ظریف و غیرمستقیم هویت ایرانی - اسلامی را در دانش‌آموزان تقویت و به تدریج نهادینه می‌کنند.

کتاب «فارسی - بخوانیم»، پنجم دبستان که آخرین کتاب فارسی مقطع ابتدایی است نیز همانند پایه‌های دوم، سوم و چهارم در هشت فصل و با همان عناوین کلی تألیف شده است. متن‌های کوتاه روایی و غیرروایی نظیر: «دوست صمیمی و دانا»، «کتاب‌های مرجع»، «عاشق کتاب»، «سرودی برای پاک»، «شجاعت»، «این‌گونه باشیم»، «خدمت به مردم عبادت است»، «روزی که باران می‌بارید»، «سرود ملی»، «اسفند صدای پای بهار»، «اگر طبیعت زیبای ایران نباشد»، «حافظ» و «نگارگر» برای مهارت خواندن دانش‌آموزان و فراگیری با برخی از پیشرفت‌ها، محیط زیست، آشنایی با مشاهیر علم و ادب، میهن‌پرستی و ... آورده شده است. در این میان، داستان و حکایات کوتاهی از گنجینه ادب پارسی نیز در کتاب گنجانده شده‌اند که عبارتند از: «زمینی به اندازه پوست یک گاو»، «تو نیکی می‌کن و در دجله انداز»، «داستان یک بیمارستان»، «دو ستاره درخشان»، «درخت دانش»، «طوفان نوح (ع)»، «قصه کودکی موسی علیه السلام»، «حضرت عیسی علیه السلام و سگ مرده»، «ران ملخ»، «حکایتی دیگر»، «آریو برزن»، «داستان زال و سیمرغ»، «گنج»، «گل‌هایی از گلزار ادب» و «مرغ آتش‌خوار». در این پایه نیز همانند سال گذشته یک داستان از هانس کریستن آندرسن به نام «دخترک کبریت‌فروش» برای آشنایی با ادبیات اروپا آورده شده است. تعداد و حجم حکایت‌ها و داستان‌های ایرانی در این کتاب به شانزده می‌رسد و با اضافه کردن داستان «دخترک کبریت‌فروش» این تعداد به هفده داستان می‌رسد. این امر خود گواه آن است که حجم قابل‌توجهی از کتاب فارسی به داستان و افسانه‌های کهن اختصاص داده شده است. این امر تأکیدی دوباره بر نقش فرهنگ مکتوب ادبی نسل‌های گذشته ما در شناسایی و ترویج هویت ایرانی - اسلامی دارد، زیرا تداوم فرهنگ، هویت و زبان مادری ما در حفظ، پاسداشت و مرور و اخوانی این گنجینه ارزشمند، یعنی افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی، با استفاده از زبان فارسی است.

نتیجه‌گیری

نثر روایی (داستان) از گونه‌های ادبی است که از دوران کودکی به همراه ما بوده است. این امر همواره به دو صورت شفاهی نظیر: قصه‌ها و نوجوهای مادرانه، لالایی‌ها و متل‌ها و نوشتاری (کتاب‌های تخیلی و غیرتخیلی) برای ما ممکن شده است. داستان‌ها و حکایات گاه

جنبه آموزشی و گاه جنبه تفریحی دارد و برای پر کردن اوقات فراغت ما مناسب است. گنجینه ادب پارسی سرشار از این موارد است. حکایات «لقمان»، «مولوی»، «سعدی» و بسیاری دیگر از مشاهیر علم و ادب ایران از این لحاظ بسیار حائز اهمیت است. از این رو، همواره دست‌اندرکاران ادبیات کودکان و نوجوانان از قالب‌های داستان برای انتقال مفاهیم و اهداف آموزشی بهره می‌جویند. کتاب‌های فارسی دبستان (بنویسیم و بخوانیم) جایگاه مناسبی برای استفاده از این گنجینه ادبی است. کشور و فرهنگ ایرانی با توجه به دو عنصر ایرانی و اسلامی توانسته است علاوه بر آشنا کردن کودکان با فرهنگ ایرانی - اسلامی، زمینه تقویت هویت ملی را در کودکان این مرز و بوم فراهم کند. همچنین این داستان‌ها در زمینه آموزش رسمی و کتاب‌های درسی می‌توانند نقش مهمی برعهده گیرند. داستان‌های برگرفته از فرهنگ عامه و مکتوب ایرانی، چه در قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ایران، همواره علاوه بر کاربرد آموزشی نقشی مهم در حفظ و تعمیق هویت ایرانی - اسلامی دانش‌آموزان ایرانی به عهده داشته‌اند. کتاب‌های فارسی جزو اولین منابعی هستند که دانش‌آموزان به واسطه آنها با فرهنگ، زبان، فرهنگ عامه و هویت ملی خود آشنا می‌شوند. از این رو، دست‌اندرکاران تألیف کتاب‌های درسی، بویژه کتاب‌های فارسی، تلاش کرده‌اند در آموزش از این امر استفاده کنند تا بتوانند افرادی با هویت ایرانی - اسلامی تربیت کنند و این حس را از دوران کودکی در آنها ایجاد و نهادینه کنند.

منابع

- آذری، اعظم و دیگران (۱۳۸۷)، *فارسی سوم دبستان - بنویسیم - ۹/۱*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- آذری، اعظم و دیگران، *فارسی سوم دبستان - بخوانیم - ۹*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- ارجمند رشیدآباد، زهرا و دیگران (۱۳۸۷)، *فارسی دوم دبستان - بخوانیم - ۵*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- ارجمند رشیدآباد، زهرا و دیگران، *فارسی دوم دبستان - بنویسیم - ۵/۱*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- ارجمند رشیدآباد، زهرا و دیگران، *فارسی چهارم دبستان - بنویسیم - ۱۴/۱*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- ارجمند رشیدآباد، زهرا و دیگران، *فارسی چهارم دبستان - بخوانیم - ۱۴*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- اکبری شلدره‌ای، فریدون (۱۳۸۲)، *درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران*، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران###
- امین، سید حسن (۱۳۸۸)، *دانشنامه شعر*، انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی، تهران###
- برومند سعید، جواد (۱۳۶۳)، *دگرگونی‌های واژگون زبان فارسی*، توس، تهران###
- پرین، لارنس (۱۳۸۷)، *تأملی دیگر در باب داستان*، ترجمه محسن سلیمانی، چاپ هفتم، انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)، تهران###
- پورممتاز، علیرضا (۱۳۷۷)، *فرهنگ کتاب*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران###
- جبلی آده، پریچهر و دیگران (۱۳۸۷)، *فارسی پنجم دبستان - بخوانیم - ۲۰*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- جبلی آده، پریچهر و دیگران، *فارسی پنجم دبستان - بنویسیم - ۲۰/۱*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران.
- حاجیان، فردوس و دیگران (۱۳۸۷)، *فارسی اول دبستان - بخوانیم - ۱*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- حاجیان، فردوس و دیگران، *فارسی اول دبستان - بنویسیم - ۱/۱*، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران###
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۵۰)، *آشنایی با ادبیات فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات رز###
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۰)، *دانشنامه جهان اسلام (جلد شانزدهم)*، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری کتاب###
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، *نقد ادبی*، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر###
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، *مبانی نظری هویت و بحران هویت*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی###
- میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۷۳)، *واژه‌نامه هنر شاعری*، تهران: کتاب مهناز###

میرصادقی، جمال (۱۳۸۶)، ادبیات داستانی، چاپ پنجم، تهران: نشر سخن###
نعمت‌الهی، فرامرز و دیگران (۱۳۸۵)، ادبیات کودک و نوجوان (شناسایی، ارزش‌یابی، ارزش‌گذاری)، چاپ اول، تهران: نشر مدرسه###
یونسی، ابراهیم (۱۳۸۶)، هنر داستان‌نویسی تهران: مؤسسه انتشارات نگاه###